

## ((خواست خدا))

شاید یکی از علل و عوامل مهم عقب افتادگی ملت ما این باشد که هر مصیبت و بلائی بما میرسد، آنرا بجان و دل میپذیریم و تصور میکنیم که خواست خدا و اراده باری تعالی است. و حال آنکه این پندار را که درپاره ای از موارد موجب ذلت و خواری و موجود فقرو بیکاری است نمیتوان بدون قید و شرط پذیرفت و خود را برای قبول هر مصیبت و بلائی آماده ساخت .

برخی تصویری کنند که این نوع تسلیم کامل ببدبختیها و مصائب گوناگون روش دین و راه شریعت است و از اینرو گناه بخش مهمی از بدبختیهای اجتماعی را بگردن دین مینهند . اما حقیقت غیر از اینست . نه این روش از نظر ادیان پسندیده است و نه شرایع

پیروی از چنین راهی را تجویز می کنند . باین خصوصیت روحی نمیتوان نام تسلیم و رضا را داد، بلکه در واقع يك پژمردگی روانی ناشی از دوران متمدنی مغلوبیت و سرکوفتگی تاریخی است که بعضی ملتها را این چنین خوار و ذلیل و تنبل و بیکاره میسازد؛ و چون انسان همیشه میکوشد عمل زشت خود را لباس زیبا بپوشاند آن را خواست خدا نام گذارده است .

تردید نیست که آنچه در جهان میگردد تحت نظام معین و روش حساب شده دقیق، مشخص و مرتبی است که دید نارسای خرد افق و اطراف و جوانب آنرا نمیتواند ببیند، اما این نظم و ترتیب جبری و این حکومت مطلق فقط در امور تکوینی ساری و جاری است. ( امور تکوینی اموری است که انجام گرفتن یا ننگرفتن آنها بخواست و اراده خدا است ) .

اموری که مربوط بساختمان طبیعت و سازمان خلقت است از امور تکوینی است . عقل بشر تا امروز بکنه بسیاری از اسرار و رموز آفرینش پی نبرده و تا بد از آن سردر نمی آورد ، بشر تا کنون نتوانسته است در امر خلقت موجودات جاندار از آرزو گامی فراتر نهد؛ زیرا با آنکه بزرگترین و تندترین وسایل خود کار حرکت را ساخته و با بکار بردن بسیاری از نیروهای نهفته جهان آفرینش بثر فنای دریا و اوج فضا، و حتی بکرات آسمانی راه یافته هنوز نتوانسته است کوچکترین موجود زنده يك سلولی، مثلا يك آمیب یا يك یاخته

نبات را خلق کند زیرا خلقت موجودات زنده از اموری است که مربوط بایجاد و خلقت عالم یعنی از امور تکوینی است که انجام دادن آنها از مختصات اراده الهی میباشد .

در مقابل اینها مورد دیگری هست که خدای عالم در چهارچوب قوانین و مقررات خاص و تحت نظم و قاعده معینی اختیار اجرا یا خودداری از اجرای آنها را بدست افراد بشر سپرده و پیروی کردن یا سر باز زدن از آنها را بدانش و بینش آدمیان واگذارده است و این وجه تمایز انسان از حیوان است .

خدا نمیخواهد ما بکسی ظلم کنیم و همچنین راضی نیست که بر ما ستمی وارد آید (سوره بقره آیه ۲۷۹). قواعد و قوانین خودداری و جلو گیری از ستم و ناروایی را شرایع و ادیان از جانب خدا با آدمیان آموخته و دقایق و ریزه کاریهای آنرا بیاز کرده، و برای گان دردسترس عموم افراد بشر گذارده اند و هر گونه تخلفی از آنها را مستوجب نوعی از کیفر و عقوبت و مؤاخذه و مجازات ساخته اند .

خدا نمیخواهد ما بیمار و رنجور و نجو باشیم ، خدا نمیخواهد دزرنج و عذاب بسر ببریم ، خدا نمیخواهد ندار و گدا باشیم ، خدا نمیخواهد مورد تجاوز و حمله زورمندان بی دین قرار گیریم از اینرو ؛ بزبان رهبران دین و یا در کلام خود بما دستور داده تن و جان خود را از بیماری برهانیم و در برابر سپاه بیماری و مرض قیام کنیم و پلیدیها را از خود برانیم ، وسایل آسایش و استراحت خود را فراهم کنیم ، در

دنیا چنان زیست نمائیم که گوئی برای همیشه زنده خواهیم ماند در مقابل زورمندان و تجاوزگران چنان مجهز و آماده باشیم، که آنچه از وسائل نقلیه و آلات و ادوات جنگی و علوم و دانشهای مربوطه بآنها را که ممکن است دارا باشند فراهم نمائیم بحکم، قرآن (سوره الانفال آیه ۶۳) بر ما لازم است دانشهای اتمی را فراگیریم و از علوم الکترونیکی اطلاع حاصل کنیم و اسلحه های مجهز به رادار داشته باشیم و موشکهای فضایی ما را بشناسیم و وسایل دفاع از آنها را تهیه نمائیم؛ زیردریائی بسازیم و بر اوج فضا عبور نمائیم ...

اینها خیال پردازی و عبارت سازی يك نویسنده معمولی نیست صریح مفهوم عبارت قرآن کریم است، که بیدانشی بسیاری از مباحث گردیده نکات عالی و مضامین گرانبهایش از دیده نابینای ما پوشیده و مستور باشد .

بسیاری از عبارات قرآن کتاب مقدس آسمانی مسلمانان شامل دستورهایی است که عمل بدانها و درک و فهمشان، روانهای پزمرده را حیات تازه میبخشد و از بلا و مصیبت نجات میدهد. آیه ۱۳۴ سوره آل عمران قریب باین مضمون میفرماید: « اندوه و سستی را بروان خود راه مدهید زیرا که هر گاه ایمان داشته باشید، یعنی او امر و نواهی دین را در نظر و راه راست را در پیش گیرید بر همه کس برتری خواهید یافت » و در آیه ۳۱ سوره الاعراف قریب باین مضمون میفرماید: « مپندارید که خدا زینت ها و تجملات را بر شما حرام کرده و از

بر خورداری از آنها شما را منع نموده است بلکه برعکس آنها را در دنیا و آخرت مخصوص کسانی قرار داده که ایمان می آورند ،  
 اگر بخواهیم تمام آیاتی را که از مجموع آنها درس کار و کوشش و جنبش و جوشش فرا گرفته میشود در این نوشته ترجمه و بازگو نمایم سخن بدرزا خواهد کشید و بیم آن میرود که موجب ملال خاطر خوانندگان محترم گردد .

حقیقتی که نمیتواند مورد تردید قرار گیرد اینست که خدای رؤوف و عطوف و مهربان جهان ما را برای تحمل مصائب و کشیدن بار گران دردورنج نیافریده ، و اگر در مقابل بعضی مصائب امر بصبر و بردباری فرموده معنی آن تشویق بسستی و بیکاری نیست بلکه درمان دردهائی بیان شده ، که چاره ای جز پذیرش و تحمل بی چون و چرای آنها نمیشد .

وقتی کسی پس از کشش و کوشش زیاد برای رهایی جان فرزند عزیز و دلبنده خود از چنگال مرگ حیران و سرگردان میماند و کاری از پیش نمیبرد و جگر گوشه خود را از دست داده زیر خروارها از خاک تیره مدفون میسازد ، آیا باید بنشیند و برای او آه و ناله و گریه و زاری راسر دهد و بیقراری کند ، یا خود را متوجه اراده مطلق خدا در امور تکوینی کرده بگوید : « خدایا همه ما را تو آفریده ای و باز گشت ما بسوی تو است » و باین ترتیب موثرترین و ارزانترین دارورا برای دردهای روانی خود بکار ببرد ، ولسی همانطور که

بیان شد نباید برای معنی مصیبت درهمه جا قائل باین تعبیر شد و همه ناراحتیها و ناملايمات را ناشی از خدا بدانیم . باید باین قسمت از کلام الهی در سوره الشوری آیه ۳۰ که میفرماید : « حوادث بدی که بشما میرسد ناشی از کارهای خودتان است و خدا از آنها درمیگذرد » توجه داشته باشیم و بدانیم که بدی روش و کردار خودمان موجب ناملايمات زندگی ما گردیده و میگردد، و خواست خدا برای ما جز خوبی و خیر و صلاح نیست چه خدا در آیه ۸۲ سوره النساء در این باره باین مفهوم میفرماید : « آنچه خوبی بشما میرسد از خدا و آنچه بدی میرسد از خودتان است ... »

بنابراین بیاید بخود آئیم و بدی های خود را ببینیم ، خود کاوی و خود شناسی کنیم ، کردار و گفتار و رفتار خود را تحت مطالعه و بررسی قرار دهیم و با پی بردن بریشه مصایب واصل درها و ناراحتیها بر آن شویم که این سیل خانمان بر انداز را از سر چشمه ببندیم و راه صلاح و فلاح را در پیش گیریم .

شما ای حکومتها چه گمان میکنید ، آن شمشیر که بر کمرتان بستیم و آن کرسی که بافتخار شما گذاشتیم ؛ برای آن نیست که خون مردم بریزید یا دسترنج بیچارگان بخورید .  
علی علیه السلام